

«مجمع تشخیص مصلحت»

می‌تواند در آن مجمع مطرح شود» (همانجا)
مقامات جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرده اند مجمع جدید که با حساب احمد خمینی، از ۱۲ آخوند، نخست وزیر و وزیر مربوطه تشکیل می‌شود، بن بست قانونگذاری او میان برود. هم در نامه مقامات درجه اول حکومتی به خلیفه چهارم، هم در حکم صادره از سوی خمینی در پاسخ این نامه و هم در موضعگیری‌های همه آخوندها و مکلامای رژیم، مبنای صدور «احکام حکومتی» یعنی قوانینی خارج از چارچوب قوانین اولیه اسلامی، «مصلحت نظام» بقیه در صفحه ۲

میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم آخوندی در روز یکشنبه ۱۸ بهمن بدنبال انتشار حکم خمینی مبنی بر تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت» برای صدور «حکم حکومتی»، اعلام کرد «بیژودی آئین نامه ای برای مجمع تشخیص احکام حکومتی تدوین خواهد شد که به تایید حضرت امام خواهد رسید» (کیهان ۱۸ بهمن). موسوی در مورد اختیارات «مجمع» جدید گفت در حکم خمینی «تنها روی اشکالات شرعی تکیه نشده بلکه اشکالات قانونی نیز مورد تاکید قرار گرفته و منظور مشکلاتی است که در رابطه با قانون اساسی پیدا می‌شود و فقط حضرت امام همین است که



نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دو شنبه ۲ اسفند ۱۳۶۶ - برابر ۲۲ فوریه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۶

جشن های گرامیداشت ۱۹ بهمن

عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رژیم و عزم فدائیان خلق

در این شماره به درج گزارش برگزاری جشن از چند کشور می‌پردازیم:

آلمان فدرال

روز ۲۴ بهمن انبوه عظیمی از ایرانیان، بیش از سه هزار نفر، در شهر دویسبورگ آلمان فدرال گرد آمدند تا همراه با فدائیان خلق مقدمین سالکنت ۱۹ بهمن را گرامی دارند. آنان گرد آمدند تا یاد راه فدائیان را گرامی دارند که سلاح جان برکف درفش نبرد جاسی علیه ارتجاع و امپریالیسم را بر افراشتند آنان گرد آمدند تا خنجر خشم خویش علیه جمهوری اسلامی را صیقل دهند. بقیه در صفحه ۲

انسانها... در جایی خاموش کردن دستگاه ورودیدل تیرینی که خود تجدید پیمانی پرشکوه است و در مکانی دیگر گرد آمدن برای تجلیل از قهرمانی‌ها و حماسه‌ها از زبان رفقای پرتجر به تر درپوش جشن‌های خانوادگی...

در خارج از کشور نیز، امسال، فدائیان خلق در شهرها و کشورهای مختلف جهان، جشن و آذین سازمان خود را باشکوه هر چه بیشتر برگزار کردند. حضور گسترده هم میهنانمان در خارج از کشور و اعلام همبستگی گسترده و رزمجویانه نیروهای پیشرو و انقلابی جهان با فدائیان خلق شکوه غرور آفرین جشن را مبین بود.

هرخانه، هر واحد سازمانی، هر کارخانه، هر سلول شکنجه‌گاه، هر آنجایی که یک فدایی خلق حضور داشته باشد جشن ۱۹ بهمن، جشن گرامی‌شدن سالروز بنیانگذاری سازمان حماسه و بیویابی نیز بر پاست. بزرگداشت این روز بزرگ ایغجا و آشجار در شکل دگرگونی می‌یابد، اما همه جا پرشکوه است و فراموش ناشدنی. در جایی شکوه آن در شیرینی حبه فندی تجلی می‌یابد که مدت‌ها پیش در فرصتی، مخفیانه از اطاق بازجو برداشته شده و برای برپایی جشن ۱۹ بهمن در سلول افرازی، حفظ گشته است و در جایی دیگر در بندهای عمومی، در شکوه همسانی حرکات ورزشی معینی، حرکت همایون، حرکت



نمایی از سالن محل جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان در دویسبورگ - آلمان فدرال

نگاهی به چند و چون لایحه مالیاتها

مصوب سال ۴۵ - بهراتب "قنی‌تر" است. گرچه قانون دوران ستمشاهی هنوز به لحاظ اجرائی، لغو نشده است. اما رژیم در صدد است قانون جدید را جایگزین آن سازد.

علت تمایل به تغییر ساختار مالیاتی

توجه اکید رژیم به مالیات‌ها به سال ۶۲ برمی‌گردد توجه رژیم به سیاست مالیاتی و تغییر ساختار مالیاتی کشور، با دور جدید و شدید بحران اقتصادی رابطه‌ای عمیق دارد. دور جدید بحران اقتصادی کشور در سال ۶۲ آغاز شد، ولی نشانه‌های بارز وقوع آن در سال ۶۲ هویدا گشت. رژیم از نعمات درآمد ارزی سرشار سال‌های ۶۲ - ۶۱ سرمست بود، که بهای نفت به یکباره سیر نزولی خود را آغاز کرد. کاهش

بقیه در صفحه ۶

مردم رنج دیده میهن، آفانی که از برکت وجود رژیم فقها، جز فقر و محرومیت نصیبی ندارند، بدرستی نام وزارت اقتصاد و دارائی را، "وزارت اقتصاد داراها" فهاه‌اند. چه این وزارتخانه همپا و همکام با دیگر نهادهای حکومتی در کار "تعالی" بخشیدن و به "کمال" رسانیدن رنج‌نامه زندگی توده‌های میهن بوده است و سرمایه سالاری و زراوندوزی بی‌کران را به بهای ورشکستگی و فقر و فاقه زحمتکشان، پاس داشته است. اینک از این باغ، بردیگری می‌رسد و آن هم لایحه جدید مالیات‌هاست. لایحه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، هفت‌هاست که در مجلس شورای اسلامی، در دستور کار قرار دارد. لایحه جدید مالیات‌ها ۲۷۲ ماده و ۵ باب دارد که از حیث دایره شمول از قانون مالیات‌های پیشین که در حکومت ستمشاهی به تصویب رسید - قانون مالیات‌ها،

در این شماره

● گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران در صفحه ۲

● آی تو ماج، خون‌شرازه... در صفحه آخر

● تاریخ نویسی به سبک آخوندی در صفحه ۹

● آموزش لنین

درباره انتقاد، انتقاد از خود و علینت

در صفحه ۸

“مجمع تشخیص مصلحت”

بقیه از صفحه اول
اعلام شده است. این، اعترافی است به اینکه قوانین اسلامی نمی‌تواند پاسخگوی ضروریات اداره جامعه سرمایه‌دار، باشد.

خمینی پیش از آنکه بر سند حکومت تکیه بزند، در کتاب “ولایت فقیه” نوشت: “... حکومت اسلامی -حکومت قانون الهی بر مردم است- فرق اساسی حکومت اسلامی با -حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در این است- در این که نمایندگان مردم یا شاه در اینگونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند در صورتیکه قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است. هیچ کس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به‌مورد اجرا گذاشت.” خمینی در آن زمان او این هم فراتر رفت و افزود: “بهمین سبب در حکومت اسلامی به‌جای مجلس قانونگذاری... مجلس پرشماره ریوی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف دربرتر احکام اسلام برنامه‌ها ترتیب می‌دهد.”

بنابراین در طرح اولیه حکومت اسلامی خمینی، خارج از چارچوب “قانون الهی” نه جایی برای قانون هست و نه قوه مقننه پیش‌بینی شده است. خمینی در همان کتاب، منظور خود از قانون الهی را به صراحت نوشته است: “حکومت کنندگان... مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود.” ضروریات زمان و مصلحت‌ها، حکومت کردن، اجازه نداد تا طرح کامل حکومت اسلامی همانگونه که در کتاب “ولایت فقیه” ترسیم شده بود، بی‌کم و کاست اجرا شود، و گرنه به قول یکی از آخوندهای مجلس خبرگان سال ۵۸، در اسلام نه‌خبری از جمهوری هست و نه از پارلمان، اسلام تنها یک خلیفه دارد، یک شمس وزیر و یک قمر وزیر. تز ولایت فقیه بر این ادعا استوار بوده است که “احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است...” (از کتاب ولایت فقیه) اینک و رشکستی این تز مورد

اذعان خود خمینی نیز قرار می‌گیرد. “مجمع تشخیص مصلحت” تشکیل می‌شود تا هر جا منفعت حکومت فقها ایجاب کند، “حکم حکومتی” جای فقه را بگیرد.

خمینی برای شکستن بن‌بست قانونگذاری، به “حکم حکومتی” متوسل شد. از آخوندهای حکومتی، کسی جرأت نکرد بر این توجیه شرعی “اشکال‌کنند” و دستور خمینی “مورد اتفاق نظر صاحب نظران قرار گرفت” (او نامه موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، احمد خمینی، موسوی و رفسنجانی به خمینی) اما کشمکش‌های میان آخوندها در مورد سیاست اقتصاد، حکومت با این تدبیر پایان نمی‌پذیرد، بلکه تقابلیت از پیش به عرصه بیست و جدول درباره “مصلحت نظام اسلامی” کشانده می‌شود. نخستین نشانه‌ها، حاکی از آن است که مدافعان بیرونی و قرص “فقه سنتی” قصد ندارند عرصه جدید را در بست در اختیار رقبا بگذارند. خزعلی از آخوندهای شورا، تکلیبان و یکی از سردمداران “رسالتی‌ها، پس از صدور فرمان تجدید خمینی گفت حکم خمینی “گره مشکلات حکومتی را بازمی‌کند و باید قدر این را بدانیم که حکومت بدست اهلس اقتاد.” (رسالت ۲۱ بهمن) عسکر اولاد، چهره دیگر جناح مدافع بی قید و شرط بازار، حکم خمینی را حاوی “غایب افتخار به فقهای شورا، تکلیبان و عمده مسئولان نظام” دانست و افزود خمینی با حکم خود تایید کرده است “عدم توافق مجلس شورای اسلامی و شورای تکلیبان از روی دقت شرعی و قانونی بوده است” (رسالت ۱۹ بهمن). در مجموع، جناح “فقه سنتی” کوشید “صلاحیت” خود را در تشخیص “مصلحت” مورد تاکید قرار دهد. سر مقاله‌های روزنامه رسالت به قلم آخوند آذری، قعی، حاوی استقبال از حکم اخیر خمینی و دعوت به “وحدت” است.

فرمان اخیر خمینی، شیوه استدلال آخوندها در دفاع از مواضعشان در زمینه سیاست‌های حکومت در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه عرصه اقتصادی را تغییر داده است، اما نمی‌تواند و نخواهد توانست به‌خود بحران در حکومت که ریشه در تنوع منافع معین اقتصادی و سیاسی گروه‌بندی‌های مختلف درون رژیم و

مهمتر از آن، در تقابل کامل خواست‌ها و نیازهای مردم با خود رژیم دارد، پایان دهد.

بحران ادامه خواهد یافت و تشدید خواهد شد. خود “مجمع تشخیص مصلحت” نیز به عرصه‌ای برای کشمکش‌ها به مثابه تزلزلی بحران، تبدیل خواهد گشت.

روزنامه رسالت در صفحه اول شماره ۱۸ بهمن خود، عکس اعضای “مجمع تشخیص مصلحت در احکام حکومتی” را چاپ کرده است. از راست به چپ:

خامنه‌ای، رفسنجانی، اردبیلی، خوئی‌ها، میر حسینی موسوی، صافی، امامی کاشانی، خزعلی، جنتی، کیلانی، مومن، توسلی.

اعضای “مجمع تشخیص مصلحت در احکام حکومتی”



گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو گزارشی در مورد نقض آزادی عقیده مذهبی در سراسر جهان انتشار داده است. در این گزارش، اعدام و ابستکان به اقلیت‌های بهایی در ایران بعنوان خشن‌ترین نوع سرکوب اقلیت‌های مذهبی ثبت شده است. این گزارش حاکی است از هنگام به قدرت رسیدن فقها در ایران، ۲۰۰ بهایی تنها به علت مذهب خود اعدام شده‌اند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، جمهوری اسلامی را به عنوان نقض‌کننده آزادی عقیده مذهبی، مصرح در بیانیه حقوق بشر، محکوم کرد.

تصحیح و پوزش

در شماره گذشته نشریه در صفحه اول، شماره نشریه بجای ۱۹۵ اشتباهاً ۱۹۶ درج شده است که ضمن پوزش تصحیح می‌گردد.

جشن‌های گرامی داشت ۱۹ بهمن

عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رزم و عزم فدائیان خلق



بقیه از صفحه اول

در مراسم امسال جمع بیشتری از هموطنانمان نسبت به جشن سال گذشته در کفن که بزرگترین گردهمایی ایرانیان در خارج از کشور تا آن زمان ارزیابی شد شرکت کردند. برنامه‌های مراسم با خوشامدگویی به شرکت کنندگان ایرانی و میهمانان خارجی آغاز شد و با قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران به مناسبت ۱۹ بهمن ادامه یافت، سپس رفیق بوبریچک یکی از اعضای هیئت سیاسی حزب کمونیست آلمان در میان ابراز احساسات حاضرین با قرائت پیام حزب برادر سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را شادباش گفت و پشتیبانی همه جانبه کمونیست‌های آلمانی را از رزم فدائیان در راه تحقق صلح، آزادی و سوسیالیسم اعلام نمود. وی در بخشی از سخنان خود بیکار شیروهای انقلابی ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی راستود و برای آفتان موفقیت و برای مردم ایران پیروزی آرزو کرد. وی سخنان خود را با تاکید بر پیوندهای عمیق ما بین حزب کمونیست آلمان و سازمان ما به پایان برد و بدنبال آن اسامی برخی از احزاب و سازمانهایی که بمناسبت هفدهمین سالروز تولد فدائیان پیام‌های شادباش و همبستگی ارسال کرده بودند قرائت گردید.

در سرتاسر سالن بزرگی که جهت اجرای برنامه‌های جشن انتخاب شده و به زیبایی تزئین شده بود، طرح‌ها و شعارهایی در دفاع از متافع

بلهقه کارگر و مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد. پوستری که تصویر فدایی اسیر افوئیروان لطفی زینت بخش آن بود همه آزادمدان و آزادتنانی را که در سالن نمایش و راهروهای عریض جنب آن گردآمده بودند به دفاع از جان فدائیان اسیر و سایر زندانیان سیاسی ایران فرامی‌خواند.

بخش دوم برنامه‌های مراسم گرامی داشت ۱۹ بهمن در آلمان فدرال به اجرای برنامه‌های هنرمندان ایرانی و خارجی اختصاص داشت. آوای دلکش "آشورپور" که یادآور امواج خروشان خزر و بهار خندان کیلان بود، رقص‌ها، شورانگیز کردی و آذری و ساز و آواز "عاشیق" رستاخیز خجسته‌ای را فریاد می‌دادند که جان همه رزمندگان راه نیکبختی مردم او امید به آن سرشار است.

اجرای موسیقی و ترانه سرودهای انقلابی، رقص‌های فولکوریک یونانی و قطعاتی با پیانو نیز غنای برنامه‌های هنری جشن را دوچندان کردند.

این مراسم با سرود انترناسیونال که توسط گروه کر پکاه و شرکت کنندگان در جشن اجرا شد، پایان یافت.

فردیک به ۴۰ حزب، سازمان و اتحادیه پیشرو و انقلابی برای مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن در آلمان فدرال پیام ارسال کردند که از آن جمله پیام کمیته مرکزی، حزب کمونیست ترکیه و

مفجمله حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست چپ دانمارک (V.S) حزب سوسیالیست مردمی دانمارک (S.F)، حزب کمونیست ترکیه، کنگره ملی آفریقا، حزب مردم پاکستان، حزب سوسیالیست شیلی، کمیته همبستگی با نیکاراگوئه و... در دانمارک با ارسال پیام‌های شادباش به جشن مبارزات فدائیان خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ابراز همبستگی کردند.

اتریش

جشن هفدهمین سالروز تولد فدائیان خلق، در اتریش با حضور جمعی از ایرانیان، اتریشی‌ها و خارجی‌ها مقیم این کشور و در فضایی سرشار از شور انقلابی و همبستگی رزمجویانه برگزار شد.

حزب کمونیست اتریش با ارسال پیامی که در بخش آغازین جشن توسط نماینده آن قرائت شد با اشاره به ۱۷ سال بیکار فدائیان همبستگی خود را با مبارزات آنان در راه نیکبختی توده‌های مردم ابراز داشت. به دنبال آن پیام فدائیان خلق - اتریش به زبان‌های فارسی و آلمانی و پیام حزب توده ایران - اتریش، خوانده شد. کمونیست‌های شیلی، فلسطین و عراق نیز با پیام‌های صمیمانه خود سالگشت بنیانگذاری سازمان را گرامی داشتند و برای مردم ایران در مبارزه برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی پیروزی آرزو کردند.

در جشن هفدهمین سالروز تولد فدائیان در اتریش چند برنامه هنری از جمله آهنگهایی توسط یک هفتمند فلسطینی، آهنگهایی به زبانهای فارسی و آذری و تلنتری در افشای سیاسی ضد خلقی جمهوری اسلامی اجرا شدند.

همچنین سازمان آلمان فدرال و احزاب و سازمان‌های زیر جلب نظر می‌کرد،

- حزب توده ایران
- حزب کمونیست عراق
- حزب کمونیست سوریه
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا
- اتحادیه کارگران کرد - کومکار

و همچنین از میان سازمان‌های پیشرو و ترقیخواه آلمان فدرال،

- دبیرانول اتحادیه ضدفاشیستهای آلمان فدرال
- هیات رهبری حزب سبزها
- هیات رئیس جوانان سوسیالیست کارگر آلمان
- رهبری "لیست صلح" آلمان فدرال

دانمارک - آرهوس

هفدهمین سالگرد حماسه سياهکل روز ۱۷ بهمن در شهر آرهوس دانمارک جشن گرفته شد. بیش از ۶۰۰ تن از پیوندگان راه صلح و آزادی در این جشن شرکت کردند.

مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد تمامی رزمندگان که برای تحقق صلح، دموکراسی و سوسیالیسم به خاک افتادند و بویژه شهدای اخیر سازمان آغاز شد و سپس با اجرای برنامه‌های هنری ادامه یافت. احزاب و سازمانهای مبارز و مترقی خارجی

گرامی باد
۳۴ بهمن



گرامی باد
۱۹ بهمن

گارترا و وردستان سازو! همسپان اخلاسی!
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سلسله تریس سرنگون را در سارزه علیه رژیم انقلاب شکن همبستگی است.
برای پایان دادن به جنگ و ویرانی، کشتار و جوسوری:
برای پایان دادن به سرور و خشنای، شکوه و عدم:
برای پایان دادن به گران و سیکاری، فروس حساسی:
برای سرنگونی رژیم ارتش، حاش به انقلاب ۲۲ بهمن:
سازمان همبستگی رزمندگان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همبندی.
سازمان پیروان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سرنگون ساز رژیم جمهوری اسلامی ایران

تراکت فوق را یکی از واحدهای فدایی در تهران به مناسبت هفدهمین سالگرد سازمان تهیه و توزیع کرده است.

تورگورت اوزال روز ۹ اسفند وارد تهران می‌شود

مفته گذاشته ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در راس یک هیات سیاسی و اقتصادی وارد آنکارا شد. هیات نمایندگی جمهوری اسلامی طی اقامت سه روزه در آنکارا، دیدارهایی با رئیس مجلس، نخست وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر مشاور در امور اقتصادی ترکیه انجام داد.

در آستانه سفر ولایتی به ترکیه برخی از مطبوعات این کشور اعلام کردند که موضوع تدارک مقدمات انعقاد قرارداد احداث خطلوله انتقال نفت اهواز به کرانه مدیترانه ای خاک ترکیه، سفر آتی تورگورت اوزال به تهران، مسایل مربوط به جنگ ایران و عراق، بحران خلیج فارس و مشکلات موجود در روابط تجاری ترکیه و ایران در دستور مذاکرات هیات سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی با مقامات آنکارا می‌باشد.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در بازگشت از ترکیه طی یک مصاحبه رادیو تلویزیونی با خبرگزاری جمهوری اسلامی، ضمن تأیید مطالب منتشره از سوی مطبوعات ترکیه، اظهار کرد که مناسبات اقتصادی بین دو کشور طی هشت سال گذشته رو به پیشرفت بوده و هم اکنون ترکیه سومین شریک ایران به حساب می‌آید. ولایتی در مورد پروتکل ۴ میلیارد دلاری احداث خطلوله نفتی توضیح داد که در این زمینه در آنکارا مذاکراتی صورت گرفت و تصویب نهایی مذاکرات و قراردادها به دیدار نخست وزیران دو کشور در تهران موکول نگردید. وی نقش میانجیگری اوزال را در جنگ ایران و عراق تکلیف کرد و آن را تبلیغات مطبوعات خارجی خواند.

مطابق گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی قرار است اوزال روز ۹ اسفند وارد تهران شود. مقصد بعدی اوزال، بغداد و دیدار با صدام حسین است. اوزال قبلاً اعلام کرده بود که مسئله دادوستد ایران و ترکیه یکی از مسایل مورد مذاکره وی با مقامات تهران است.

حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه که در سال ۸۷ در آنکارا به امضا رسید ۲ میلیارد دلار بیش از پیشین بوده. گزارشها منتشره حاکی است که علیرغم تلاشهای جمهوری اسلامی ارزش مبادلات تهران و آنکارا در یازده ماهه سال گذشته پایین تر از ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. طبق این قرارداد می‌بایستی ترکیه حدود پانصد میلیون دلار کالای غیرنفتی از ایران خریداری کند. حال آن که همین مبلغ یاد شده نیز بصورت یکطرفه و از طریق صدور فرآورده صنعتی و کالاهای ترکیه به تهران و صدور حجم عظیمی از نفت خام ایران به ترکیه تأمین شده است. ترکیه علیرغم قرارداد امضا شده از خرید مواد غیرنفتی خودداری می‌کند و هم اکنون بخشی از مشکلات تجاری، موجب نفاش او همین اقدام آنکارا است. بنا به اظهار نوبی وزیر صنایع سنگین و مینر گسترش روابط با ترکیه، سال گذشته این کشور کمتر از ۵ درصد تعهد خود کالای غیرنفتی از ایران خریداری کرد.

بهاران هوایی تلافی جویانه

حوالی شیراز و منابع نفتی "امام حسن" از جمله مناطقی بودند که در جریان حمله هدف بمباران قرار گرفتند و شدیداً آسیب دیدند.

جمهوری اسلامی ضمن تأیید گزارش حمله جنگنده‌های عراقی به مجتمع صنعتی شیراز اعلام داشت که در یورش هواپیماها به منطقه "امام حسن"، ۱۲ تن کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند.

گزارشهای منتشره از سوی ایران حاکی است که درگیری‌های زمینی در هفته گذشته در منطقه جبهه میانی در استان دهرک عراق بوده است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی سه شنبه هفته گذشته به نقل از اطلاعات ارتش اعلام کرد که به تلافی حملات عراق به شهرهای مسکونی ایران در استان فارس، کارخانه پتروشیمی بصره توسط نیروی هوایی ایران بمباران شد.

پیش از بمباران بصره، خبرگزاری رویتر با استناد به اظهارات سخنگوی نظامی عراق گزارش داده بود که جنگنده بمب افکن‌های عراق تاسیسات صنعتی و مراکز نفتی ایران واقع در استان فارس و خوزستان را بمباران کرده‌اند.

مجتمع تولید ابزارهای الکترونیک واقع در

خامنه‌ای به ریاست مجمع "تشخیص مصلحت نظام اسلامی" برگزیده شد

مدیوالتی که مجلس اجرای آنها را مصلحت بدانند، در صورت مخالفت و عدم تأیید شورای نگهبان، توسط مجمع تصمیم به اجرای آنها گرفته خواهد شد، "ولایتی که نظرات شورای نگهبان تأمین نشود."

در این زمینه هاشمی رفسنجانی در جلسه روز یکشنبه ۲۵ بهمن گفت: "آقایان توجه نمایند که از این به بعد چنانچه ما لایح را فرستادیم به شورای نگهبان و شورای نگهبان آن را کافی ندانست این دیگر به مجلس بر نمی‌گردد مگر اینکه مسئله جزئی باشد که رئیس مجلس در شورای نگهبان تقاضا داشته باشند و این قابل رفع است و این می‌رود به مرجع تشخیص مصالح حکومتی و آنجا تصمیم گرفته می‌شود. بنابراین اینطور نیست که برود و برگردد. ما این حالت را دیگر نخواهیم داشت."

موسوی خویی‌ها در ادامه سخنان خود به توضیح جزئیات آئین‌نامه مجمع پرداخت اما به علت محرمانه بودن مذاکرات و ضبط سخنان اعضای مجمع اشاره‌ای نکرد.

"مجمع تشخیص مصلحت نظامی اسلامی" روز شنبه ۱۷ بهمن به دستور خمینی و در پی درخواست موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، احمد خمینی، میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. علاوه بر نامبردگان، تسلی مسئول دفتر خمینی و ۶ تن از فقهای عضو شورای نگهبان، عضو این مجمع هستند.

بنا بر گزارشهای دولتی سپرده تن در ماه گذشته اعدام شده‌اند

حاکمی است که در جریان انفجار یک بمب در تهران که داخل اتومبیلی جاسازی شده بود، ده تن زخمی شدند. براساس گزارش همین منبع، طی دو ماه گذشته ۷ تن در تهران و شهرستانها اعدام شده‌اند. مجازات آقان جاسوسی برای عراق بوده است. این گزارش از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی تأیید شده است.

شورای عالی قضایی حکم قصاص ۸ تن را نیز که از سوی دادگاههای رژیم اسلامی محکوم شده‌اند، تنفیذ کرده است.

گزارش مصوبات اولین نشست "مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی" که بعد از ظهر روز شنبه ۲۴ بهمن ماه در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار شد، توسط موسوی خویی‌ها در استان کل کشور و عضو مجمع در اختیار مطبوعات قرار گرفت.

بنا به توضیحات موسوی، خویی‌ها، در این نشست آئین‌نامه مجمع شامل، محل، تعداد و زمان تشکیل جلسات، چگونگی بررسی لایحی که پس از تصویب مجلس در شورای نگهبان رد می‌شود، تعداد لازم برای رسمیت یافتن جلسات تصویب شد و خامنه‌ای رئیس جمهور به عنوان رئیس مجمع انتخاب گردید.

بر اساس آئین‌نامه تصویبی، تنها مصوبات مجمع در روزنامه دولتی منتشر خواهد شد و از انتشار مذاکرات درون مجمع جلوگیری به عمل خواهد آمد. مشروح مذاکرات ضبط شده و به عنوان اسناد محرمانه نگهداری خواهد شد.

همچنین دبیرخانه‌ای زیر نظر خامنه‌ای به عنوان رئیس مجمع تشکیل می‌شود که جلسات آن با حضور ۹ نفر از اعضای رسیت خواهد داشت و تصمیمات با رای اکثریت حاضر، به تصویب خواهد رسید. بنا بر آئین‌نامه مجمع، جلسات دبیرخانه در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار خواهد شد.

مطابق اظهارات دادستان کل رژیم، قواخیز و

بنا بر نوشته روزنامه کیهان، هفته گذشته ۶ تن در شهرستان خاش در ملامع اعدام شدند. حکم اعدام این عده از سوی دادگاه انقلاب ژاندار صادر شده بود. در گزارش کیهان گفته شده است این عده به جرایم مختلف از جمله اشداد چادها به صورت مسلحانه، به آتش کشیدن وسایل راهسازی جهادسازندگی و دیگر وسایل دولتی، جاسوسی برای عراق، همکاری با یکی از گروههای سیاسی اعدام گردیدند.

گزارش دیگری به نقل از خبرگزاری رویتر

چرخ کارخانجات خوزستان از کار می ایستد

* بر اثر بحران اقتصادی و بمباران های متعدد مناطق مختلف خوزستان، بسیاری از کارخانجات این استان تعطیل شده اند. کارخانه کافت سازی پارس هفت تپه که ۷۵ درصد تولید داخلی را تامین می کرد، در حال حاضر هیچگونه تولیدی ندارد و چون ماشین های آن قدیمی است، قادر به تهیه لوازم یدکی آن نیستند. هم اکنون کارگران این کارخانه را بصورت ۷۰ درصدی گروه بندی کرده اند. بدین معنا که ۷۰ درصد کارگران راه خانه ها خود فرستاده اند و ۳۰ درصد بقیه هم که ظاهراً مشغولند، در واقع به نقافت کارخانه مشغولند، و ۷۰ درصد حقوق خود را دریافت می کنند.

* طرح نیشکر که دارای نزدیک به ۷۰۰۰ کارگر است تا سه ماه پیش در نتیجه بمباران هوایی میچ تولیدی نداشت، تاؤکی ها یکی از آسیابهای آنرا بکار گرفته اند. به خاطر جلوگیری از فساد شدن نیشکر بر روی زمین است، نیشکر را درومی کنند سپس به دور می ریزند. ویرا کارخانه قادر به استفاده از این نیشکر نیست.

* کشت و صنعت کارون - خوشتر با حدود ۷۰۰۰

کارگر تقریباً تعطیل شده است. کارخانه قند ذوقول و بسیاری از کارخانجات دیگر مانند کارخانه نورد و لوله سازی اهواز هم وضعیت مشابهی دارند.

جرم کرد بودن

چندی پیش در چهار راه شیمی شهر اهواز جوانی به دستفروشی مشغول بود. ماموران کمیته وقتی شنیدند وی لجه کردی دارد به او حمله کردند و بساطش را بزم ریختند. این حادثه موجب خشم مردم در محل شد. پیرمردی از جوان پرسید چه کار کرده ای؟ جرم چیست؟ او گفت اولین جرم من کرد بودن است. دومین جرم اینست که جاتی فیستم. می شوامم کار کنم و شکم خافواده ام را سیر کنم - ماموران که از این گفته ها خشمگین شده بودند مجدداً به او حمله ور شدند و به وی اجازه صحبت ندادند. مردم به این برخورد اعتراض کردند و به جانبداران از جوان کرد پرداختند. کمیته چی ها بر اثر اعتراض مردم دست از سر او برداشتند.

مردم و خانواده های زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی در دل مردم جای دارند. دیر نخواهد بود که شعار آزادی زندانی سیاسی بار دیگر شعار طغیان افکن در کوچه و خیابان گردد. تلقی مردم از زندانیان سیاسی در برخورد آنها با خانواده های زندانیان سیاسی نیز بازتاب دارد برخوردی، توأم با همدردی و ادای احترام. نمونه های زیر کویای این واقعیتند.

- همسر یکی فدایی خلق که زندانی است. برای گرفتن فتوکپی از نامه همسرش به یک عکاسی مراجعه کرد. وقتی عکاس عنوان نامه را که از زندان اوین ارسال شده بود خواند، مراتب همدردی و احترام خود را ابراز نمود. پس از آن وی برای خریدن یک نوع صابون طبی کمیاب برای رفیق زندانی که از بیماری پوستی رنج می برد به داروخانه ای مراجعه کرد. در داروخانه نیز علت خریدن چنین صابونی را عنوان کرد. کارکنان داروخانه ضمن برخورد جانبدارانه، صابون مورد نیاز را به وضاحت تهیه کرده و بوی دادند.

- همسر یک زندانی سیاسی جهت ثبت نام کودکان بزرگ مهد کودک مراجعه کرد. وی ابتدا جواب منفی شنید. اما بعد از آنکه گفت همسرش زندانی سیاسی است و خودش شاغل است، فرزندش را با روی باز پذیرفتند.

- همکاران همسر یک فدایی درپند که هرازگاهی به ملاقات همسرش می رفت، کارت وی را تاریخ می زدند تا غیبت نخورد.

- یک راننده تاکسی که خانواده یکی از زندانیان سیاسی را جهت ملاقات به زندان می برد، ضمن ابراز احترام فراوان آنها را به محل رسانید و اصرار کرد که تا زمان بازگشت از ملاقات در انتظارشان بماند.

- پیرمردی در یکی از اوصاف ایرواق عمومی، از تخصص خانواده های زندانیان سیاسی در تهران سخن می گفت. ارفعوان می کرد که هر زن و مرد با قیستی حتی اگر خودش زندانی سیاسی نداشته باشد باید از تخصص خانواده های زندانیان سیاسی استقبال کرده و با آنها اعلام همبستگی کند.

پای صحبت چند کارگر

کارگری می گفت شاخواهده ام سه ماه است که گوشت نخورده اند. اما جمهوری اسلامی امروز مرا مجبور کرد که صد تومان به اسرائیل کمک کنم. چون این پولها صرف خرید اسلحه و مواد شیمیایی از اسرائیل می شود تا با آن در جبهه آمدها کشته شوند. پس در واقع من به اسرائیل کمک کرده ام.

کارگر دیگری در همین رابطه به لغز می گفت ساله ای نیست، پولی که از بابت سمیه فقط به خانواده ما می دهند آنقدر زیاد است که صد تومان در مقابل آن ارزشی ندارد. ما گوشت اضافی را از بیخجال مایمان بیرون می ریزیم!

یک راننده جرثقیل اظهار می کرد من از این جرثقیل زیاد کار نمی کنم تا فرسوده نشود چون در حال های آفیده می شوامم توسط همین جرثقیل چند آنخوفد راه سزای اعمالشان برسامم.

سپاه کاری

در سازه تفاسی که حدود ۲۲ سال داشت در برابر یکی از تاراژهای مسافری به و اتش زنی اشغال داشت. او کفش های قهوه ای یک مشتری را واکن می زد. پس از اتمام کار مشتری به وی اعتراض کرد و گفت واکن تیره بود. کفش ما هم راسیاه کردی. واکنی یا سخ داد جمهوری اسلامی ۴۵ میلیون نفر راسیاه کرد. هیچکس اعتراض نمی کند. حالا یک جفت کفش سیاه شد اعتراض می کنید! یکی از عمال رژیم در آن حوالی که این گفت و شنود را شنید به فاشی علیه واکنی پرداخت و گفت دیگر نباید در

در استان بوشهر عده ای در جریان سیل کشته شدند

شهرستان گناوه شدت جریان آب علاوه بر ایجاد خسارات سنگین مالی، چندین کشته بر جای گذاشت. در گزارشهای دولتی تعداد کشته شدگان ذکر نشده است.

در تهران به علت بارش برف سنگین مدارس تعطیل شدند و علیرغم تعطیلی مدارس در خیابانها طول صف های مسافری چشم افشار اتوبوس از فیم کیلومتر بیشتر بود.

بارندگیهای شدید مخته گذشته در استانهای شرقی، جنوبی و مرکزی کشور به جاری شدن سیل در این مناطق و از جمله فیشاپور و استان بوشهر منجر شد. در شهر فیشاپور چند صد واحد مسکونی آسیب دید و دهها راس از احشام روستائیان تلف شدند. در مناطق جنوبی کشور نیز ارتباط گناوه و براؤجان قطعه شد و بیش از ده روستای این منطقه در محاصره سیل قرار گرفت. در روستای عباسی از توابع



بقیه از صفحه اول

بهای نفت بکوفه ای سریع و شدید بود که تمامی پایه ها و محورهای اقتصادی کشور را به لرزش انداخت. بهای هر بشکه نفت به زیر ۱۰ دلار رسید و درآمد رژیم از بابت فروش هر بشکه نفت، بعثت تقبیل هزینه های، کزاف بیمه و... از آفتم کمتر شد. حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی و میبادهای صادراتی نفت کشور، بدانجا منجر گردید که توان صادراتی نفت جمهوری اسلامی تا به نصف ظرفیت مجاز - از سوی اوپک - تنزل یافت و در بهترین حالت، هرگز به حد سهمیه مجاز نرسید. از سوی دیگر، نرخ برابری دلار نیز در برابر ارزهای قوی، جهان کاهش یافت و این نیز در کاهش هرچه بیشتر درآمد ارزی، رژیم موثر افتاد. چنین شد که درآمد ارزی کشور در سال جاری و دو سال قبل در مقام مقایسه با درآمد ارزی، منکفست سال ۶۲ - ۶۱ به پییزی حدود یک چهارم کاهش یافت.

ستون درآمدهای بودجه کشور شامل درآمدهای حاصل از صدور و فروش نفت، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهاست. کاهش درآمد نفت نه تنها درآمدهای ارزی، بلکه درآمدهای ریالی دولت را نیز به شدت کاهش داد و تأثیر، مستقیم بر کاهش درآمدهای مالیاتی نهاد، چرا که بنا به اعتراف خود مسئولین رژیم ۹۰ درصد درآمدهای دولت، وابسته به درآمدهای قاشی از صدور نفت است. رژیم که با کسر بودجه منکفست مواجه گردید با روی آوردن به سیاست جدید مالیاتی کوشید، تا با سرنگ کردن بحران اقتصادی به مردم، کسری بودجه خود را تخفیف بدهد. کاهش عرصه های، معمول مالیات گیری، باعث آن گردید که به عرصه های دیگر توجه ویژه ای شود. و این عرصه ها، تماما بردوش مردم سنگینی می کرد و صاحبان سرمایه ها، کلان باسودهای افسانه ای خود، از "غضب" حکام کماکان در امان ماندند.

محمدچواد ابیروانی، وزیر اقتصاد و دارائی رژیم، با وضوح تمام علت واقعی توجه رژیم به سیاست جدید مالیاتی را چنین اعتراف می کند، "با بررسی هائی که از وزارت امور اقتصاد و دارائی بعمل آمد، ظرفیت مالیاتی کشور را ما محاسبه کردیم و میزان ظرفیت مالیاتی کشور در سالهای ۵۹ تا سال ۶۶ محاسبه شده و در سال ۶۶ حدود ۲۲۰۰ میلیارد ریال می باشد. از طرف دیگر وضعیت ساختار درآمدی دولت که درآمدهای دولت ناشی از درآمدهای مالیاتی و درآمدهای حاصل از نفت و سایر

نگاهی به چند و چون لایحه مالیاتها

درآمدهاست و با عنایت به تسولاتی که در قیمت نفت و ارزش دلار بوجود آمده، تغییر در ساختار مالیاتی کشور را طلب می کند. زیرا ما در حال حاضر مشاهده می کنیم که میزان کسر بودجه سال به سال رو به افزایش است." (رساله ۲ بهمین)

بدینگونه روشن می شود که علت واقعی روی آوردن حکومت به ساختار جدید مالیاتی، در کردوخاک تباہیغاتی پیرامون "عدالت مالیاتی"، همانا کسر درآمد منکفست دولت است.

سیاست مالیاتی رژیم به زبان آمار

همانگونه که ذکر شد، "سیاست مالیاتی"، "ساختار مالیاتی" و "عدالت مالیاتی"، رژیم بستگی تام به وضع درآمدی آن دارد و "عدالت مالیاتی" رژیم در واقع محصول بهر آن حاد اقتصادی است. در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است که میزان مالیات گیری رژیم از سال ۶۰ همواره در حال افزایش بوده و در سال ۶۲ بیش از ۲ برابر سال ۵۹ شده است. در سال ۶۴ میزان مالیاتها به رقم بی سابقه ۱۱۲۰ میلیارد ریال رسید و میزان مالیاتها در سال ۶۶ به ۲۲۰۰ میلیارد ریال بالغ شد. براین اساس میزان مالیاتها در سال ۶۶ به رقمی

نزدیک به ۷ برابر میزان مالیاتها در سال ۵۹ رسیده است. همانگونه که از جدول شماره یک نیز برمی آید، میزان مالیاتهای غیرمستقیم از سال ۶۱ به این سو، همواره از مالیات های مستقیم بیشتر بوده است و این خود نمادی از "عدالت واقعی مالیات اسلامی" است.

سیاست مالیاتی و درآمد مالیاتی

لایحه جدید مالیاتی، با توجه به مالیاتهای مستقیم، در ظاهر بر امر بنامه عمل پوشانیدن بر همان عدالت مالیاتی کدائی و در واقع برای تخفیف کسر بودجه منکفست دولت مورد بررسی و رسیدگی در مجلس شورای اسلامی است. رژیم متوجه شده است که برای تأمین هزینه های منکفست نظامی و انتظامی خود، برای تأمین هزینه های منکفست دستگاه طویل و عریض اداری، باید میزان اخذ مالیات را بازم افزایش داده و در عرصه مالیاتهای مستقیم نیز، فعال شود. مالیات بردرآمد، مالیات بر دارائیها، مالیات بر ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصاد، مالیات براروت، مالیات بر زمینهای بایر و شاقه های خالی و... از جمله دهها موادی است که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. کارکرد

رژیم در عرصه اخذ مالیاتها تاکنون چون گواه بی بدیلی ثابت می کند که حتی همین موادسیاست جدید مالیاتی، پیش از آنکه صاحبان درآمدهای کلان را تهدید کند، متوجه نوده های زحمتکش و اقشارمیانی جامعه است. چه صاحبان سودهای افسانه ای هم خود با قدرت حکومتی در آمیخته اند و هم "راه" گریز از پرداخت مالیاتها را در اختیار دارند. از سوی دیگر افزایش مالیات صاحبان مشاغل و در حالت عمومی تجار و تولیدکنندگان اصلی، به خود، خود باعث آن می گردد که اینان مالیات پرداختی را بر بهای کالاها بیافزایند و بدین ترتیب باز این مصرف کنندگان خواهند بود که مالیات مستقیم را به شکل مالیات غیر مستقیم پرداخت خواهند کرد.

صاحبان سرمایه های کلان، حتی به اعتراف خود مسئولین و دست اندرکاران رژیم، همواره از پرداخت مالیات سرباز زده اند. کیهان ۱۲ بهمین در گزارشی پیرامون

جدول شماره ۲
مقایسه مالیاتهای دریافتی با نقدینگی بخش خصوصی (۶۶-۵۸)
(واحد میلیاردریال)

سال	میزان مالیاتها	نقدینگی بخش خصوصی
۵۸	۲۷۰	۳۵۵۰
۶۰	۴۵۰	۵۱۱۱
۶۲	۷۹۷	۷۵۱۴
۶۴	۱۱۲۰	۹۰۰۲
۶۵	-	۱۰۲۲۹
۶۶	۲۲۰۰	۱۱۰۰۰

لایحه جدید مالیاتها، قاش ساخت که سیاست اخذ ۱۰۰ میلیارد ریال مالیات از صاحبان درآمدهای کلان در سال ۶۴، اجرا شد و در سال ۶۲ از ۱۵۰ میلیارد ریال مالیات پیش بینی شده در مورد صاحبان درآمدهای کلان، تنها ۲۵ میلیارد ریال وصول گردید. این درحالی است که بنفایه اعتراف خود رژیم از جمله کارمندان آذربایجان غربی در سال ۶۲ بیش از تجار آن استان مالیات پرداخت کرده اند.

بنا به آمار دولتی، در سال ۶۲ ارزش افزوده بخش خدمات نزدیک به سه برابر بخش صنایع، بیش از سه برابر ارزش افزوده بخش معادن گروه نفت و بیش از ۴ برابر بخش کشاورزی بوده است. همان آمار دولتی درباره میزان اخذ مالیات از بقیه درصالحه ۱۰

جدول شماره ۱ - میزان مالیات دریافتی سالهای ۶۶-۵۷ (واحد میلیاردریال)

سال	مالیاتهای مستقیم	مالیاتهای غیرمستقیم	مجموع مالیاتها
۵۷	۲۷۰	۲۰۰	۴۷۰
۵۸	۲۲۰	۱۴۰	۳۷۰
۵۹	۱۲۰	۲۱۰	۳۴۰
۶۰	۲۲۰	۲۳۰	۴۵۰
۶۱	۲۹۰	۳۲۰	۶۱۰
۶۲	۲۲۷	۴۶۰	۷۹۷
۶۳	-	-	۸۷۲
۶۴	۵۱۷	۶۱۲	۱۱۲۰
۶۶	-	-	۲۲۰۰

بمناسبت سالگرد کشتار وحشیانه رهبران خلق ترکمن آی توماج، خونت شراره...



و حمتکشی در کفید منولد شد. از کودکی با فقر و محرومیت دست به کربیان بود. پس از گرفتن دیپلم متوسطه و سیری کردن دوره سربازی در سپاه دانش، به عنوان معلم در یکی از روستاهای شرق کهنه مشغول به کار شد. و با روستائیان زحمتکش رابطه بسیار نزدیکی برقرار کرد. مردم با او درد دل می کردند. شعله ای که در دل حکیم بود، با دیدن مصیبت های زندگی روستائیان، بیشتر گرفتار و فروزان تر شد. با اوچ گیری انقلاب، حکیم در کنار توماج در ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مسئولیت های مهمی بر عهده گرفت و تا لحظه شهادت، در شادوش یارانش در همین سنگر رزمید.

محمد واحدی هنوز با همه خطولش در ذهن یاران او و مردم ترکمن صحرائش بسته است. مطلق قوی و آوازشی او، طواق راهی مبلغی توانا و چهره ای محبوب دهقانان ترکمن تبدیل کرده بود. خبر اعدام طواق هنوز همچون خبر شهادت یاران دیگرش آتش به جان مردمی افکند که پس از دهها سال ظلم و خودسری حکومت ها و ملاکین، برای مدت کوتاهی سرفروشت خود را بدست خویش گرفتند و تجربه ای گرانقدر از حکومت شورایی را اوسرگه راندند.

دژخیمان، قهرمانان خلق ترکمن، فدائیان خلق، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی را به خاک افکندند. اما خون این دلیران، شراره ای است که به روز افتقام، هستی ستمگران را به خاکستر تبدیل خواهد کرد و راه خلق ترکمن را به سوی آینده ای بهتر، شکوفایی خواهد بخشید.

بقیه از صفحه آخر
من توماج، واحدی، مختوم و جرجانی را بکدام که چی؟ (شیخ صادق خلخالی، به نقل از روزنامه "صبح آزادگان"، ۲۸ شهریور ۱۳۶۲)
این اعترافات، بعنوان سندی گویا در تاریخ ثبت شده است. دلنگ و جلا در رژیم، که در سال ۵۸ می گفت: "گروه های مهاجم" به مؤذوران سپاه، رهبران خلق ترکمن را از چنگ پاسداران برده اند، پس از پنج سال رسا و علنا به جنایات خود اعتراف کرد و به گرفته ای سفیانه، نام هندستان خود را فیز لوداد.
کشتار وحشیانه رفقای فدایی، شیرمحمد درخشنده توماج، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی و عبدالحکیم مختوم، مسئولان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، نقطه اوج جنایات حکومت آخوندی علیه خلق ترکمن بود. لشکرکشی رژیم به کفید بدنبال یورش به کردستان، بار دیگر نشان داد که حکومت غاصب دستاوردهای بهمین ۵۷ سازگاری، باخواستهای برحق خلقهای ستمدیده ایران ندارد و هرچا لازم باشد، در مقابله با جنبش مردم، شمشیر را از روی عبا می بخندد.
چهار فدایی شهید، در سازماندهی و رهبری مبارزات درخشان

رفیق حسین جرجانی در سال ۱۳۲۰ در روستای محروم تاتار علیا متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در تاتار علیا و قوری، جای در شرایب سخت معیشتی به پایان رساند و پس از اتمام دوره متوسطه در کفید و تهران، در سال ۱۳۵۶ از انستیتو کشاورزی میدان فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۷ در مسافره زمینهای بزرگ مالکان و اموال آنان نقش فعالی ایفا کرد، در تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای فعالانه شرکت و رزید و در جهت برپایی و رهبری شوراهای و اتحادیه های روستایی ترکمن صحرا تلاش خستگی ناپذیری از خود نشان داد. سیما، شریف و محبوب طواق

از زخم قلب، آبانی " احمد شاملو

دختران دست!	دختران روز	دختران رفت و آمد	دختران خوشونت نومی
دختران انتظار!	بی خستگی در بدن،	دردشت مه زده!	دربستر نشوده دلنگی
دختران امید تنگ	شب	دختران شرم	دربستر تنگر پرورد رازتان،
دردشت بی گران،	سرشکستگی!	شبنم	تا یاد آن - که خشم و جسامت بود -
و آرزوهای بیکران		افتادگی	بدرخشان
در خلق های تنگ!		رما!	تا دیرگاه شعله آتش را
دختران خیال آلاچق نو	درباغ راز و خلوت مرد کدام عشق -	از زخم قلب آبانی	در چشم بازتان؟
در آلاچق هائی که صدسال -	در رقص راهبان شکرانه کدام	دربسته کدام شما خون چکیده است؟	□
از زره جامه نان اگر بشکوفید	آتش زدای کام		
باد دیوانه		پستان تان، کدام شما	
یال بلند اسب تما را	بازوان فواره های تان را	گل داده در بهار بلوغش؟	بین شما کدام
آشفته کرد خواهد...	خواهید بفراشت؟	لب های تان کدام شما	- بگوئید!
		لب های تان کدام	بین شما کدام
		- بگوئید!	صیقل می دهید.
		در کام اوشکنه، نهان، عطر بوسه می؟	سلاح آبانی را
دختران رود گل آورد!			برای
دختران هزار ستون شمله، به طاق بلند دود!	افسوس!	شب های تاریک منم باران - که نیست کار -	روز
دختران عشق های دور	موها، نگاهها	اکنون کدام يك ز شما	انتقام؟
روز سکوت و کار	به عبت	بیدار می مایید	
شب های خستگی!	عطر لغات شاعر را تاریک می کنند.		ترکمن صحرا - اربعی غلی

آموزش لنین

درباره انتقاد، انتقاد از خود و علنیّت

نوشته: لئونید ایپوتین

برگرفته از: هفته نامه "عصر جدید" شماره ۵ سال ۱۹۸۸

با تاریخ، به گونه‌های مختلفی می‌توان به‌سبب گفتن نشست. یک شکل این است؛ در اتاق مطالعه‌مان می‌نشینیم، در میان کتابها سیر تاریخ را بی‌می‌گیریم و رشته نامرئی پیوند میان رخدادها، مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را جستجو می‌کنیم. این گونه کاوش ذهنی تاریخ، این شکل مشاهده از دور، مختص تاریخ‌نگاران است. سیاستمداران به تاریخ نزدیک‌ترند. آنها درمی‌نگرند که چگونه واقعیت‌های شومین سربرمی‌آورند. آنها نورا، در میان زنجیره رنگارنگ حوادث باز می‌شناغند. رابطه سیاستمداران با تاریخ، رابطه‌ایست تنگاتنگ و در این میان هیچ‌کس همچون لنین، که از توانایی بازشناسی تکامل روند تاریخ در دل ساده‌ترین نمودهای زندگی برخوردار بود، تنگه در اغوش تاریخ نقشه و در چهره‌وی، نگریسته است. برخورد انتقادی او به تاریخ، شامدی است بر این رابطه تنگاتنگ.

هنوز ضرورت و مفیدیت انتقاد، آنکوفه که شایسته و بایسته است، حتی امروز نیز بر همگان آشکار نشده. اگر به یاد آوریم جامعه آینده چگونه بی‌هیچ برخورد انتقادی، در آثار سوسیالیستهای تخیلی سعادتمند جلوه‌گر می‌شد، اگر به یاد آوریم که چه امیدهایی به هماهنگی نظر و عمل و حتمت‌کنان در مبارزه برای سوسیالیسم بسته می‌شد، آنگاه در خواهیم یافت که موضوع انتقاد، که دولت جوان شوروی در زمان خود مطرح کرد، از چه خلصت تازه‌ای برخوردار بود.

عمل، خاستگاه طرح این مساله بود. حزب، در سال ۱۹۲۱ آن هنگام که جنگ داخلی پایان یافته و بیروزی انقلاب در سرتاسر کشور واقعیتی بی‌چون و چرا بود - گذار به دوره سیاست شومین اقتصادی (نپ) را اعلام کرد. این اقدام دشوار، مبتنی بر تصمیمی شجاعانه و بی سابقه بود. شه فقط بخشی از حتمت‌کنان، بلکه حتی عده‌ای اوشخصیت‌های نام‌آور حزب نیز گذار به "نپ" را عقب نشینی از مواضعی می‌پنداشتند که انقلاب

فتح کرده بود. "نپ" را خیانت به انقلاب نیز نام نهادند. اما لنین آن هنگام خاطر نشان ساخت که وضعیت سیاسی و اقتصادی، ضرورت چنین اقدامی را ایجاب کرده است. لنین خود بر این نکته واقف بود که کلاسیکهای مارکسیسم در زمینه امکان برقراری سرمایه‌داری دولتی در شرایطی که قدرت سیاسی در چنگ پرولتاریاست، سخنی نگفته‌اند، چرا که کارشان پیشگویی کردن نبوده است. از همینجا می‌آموزیم که چگونه می‌بایست در شرایط مشخص با در نظر گرفتن الزامات لحظه، خود باید رشته ابتکار را به دست گرفته و به موقع عمل کنیم. در چنین هنگامی، انتقاد و انتقاد از خود اشتهای شایسته‌ترین ابزار کارما در دستیابی به هدف است. "اگر این گذار (گذار به نپ) موجب شکایت، زاری و ماتم، یاس و رنجش خاطر برخی‌کنان می‌شود، ما باید بدانان بگوییم: شکست به اندازه کردن نهادن به شکست و هراس از درس‌گیری از آن، خطرناک نیست... قدرت ما در این است و در این خواهد بود که تاخترین شکست‌ها را به خوشتردافه‌ترین وجه مورد ارزیابی قرار دهیم و از تجربه آنها بیاموزیم که در فعالیت خود چه چیزی را باید تغییر دهیم. از اینروست که باید آشکار و آزاد، سخن بگوییم" این، کلام لنین است.

این‌موضوع اصولی - ضرورت پذیرش علنی و به موقع خطاها و به همین‌سان اهمیت بحث انتقادی حول هر اقدام و درس‌گیری از مجموعه تجربیات به دست آمده - "به‌ناگهان" در سال ۱۹۲۱ فرموله نشد. مبارزه حزب انقلابی پرولتاریای روس، که به توجیه لنین بخیا گذار شده بود، از آغاز بر این مبنا بود. این اصول، اصول سازماندهی حزبی بودند که اکنون از سوی لنین در سازماندهی دولت سوسیالیستی معمول می‌شدند. لنین یک اثر ویژه‌تئوریک در زمینه انتقاد، به رشته تحریر درشیاورد. اما او در آثار متعددی به این موضوع پرداخته است که بر مبنای آنها می‌توان اصول برخورد انتقادی

لنین به امور حزبی و دولتی را فرموله کرد.

اصل نخست آزادی انتقاد است. به گفته لنین "وحدت عمل، آزادی بحث و انتقاد؛ تنها چنین دیسیپلینی شایسته حزب دموکراتیک طبقه پیشرو است." تنها دموکراسی می‌تواند یکانگکی دیالکتیکی "وحدت عمل" و "آزادی بحث و انتقاد" را برقرار کند. لنین به شدت مخالف هم‌الاعت کورکورانه و هم‌آغوشی جلسات بی‌بایان بود و بر دموکراسی تشکیلاتی پای می‌فشرد. "تشکیلاتی که فاقد محتوای ایدئولوژیک باشد، توخالی است... از اینرو پرولتاریا وحدت عمل را جدا از آزادی بحث و انتقاد نمی‌داند." لنین این نکته را در سال ۱۹۰۶ خاطر نشان ساخت و مسلماً بی‌معنی خواهد بود اگر کمان کنیم این سخن برای ۸۰ سال بعد موضوعیت خود را از دست داده است. چه در آن هنگام وجه پراز آن دیسیپلین و انتظام در انجام تصمیمات پذیرفته شده، آن زمان معنی و مفهوم می‌یافتند که بر روی تصمیمات، به‌اندازه کافی اندیشیده شده و بطور انتقادی بحث شده، و به عبارت دیگر این تصمیمات به صورت دموکراتیک اتخاذ شده بودند. در غیر این صورت، به گفته لنین، کسانی که دیسیپلین را رعایت می‌کردند، به دنبال روی‌های صرف آتافی تبدیل می‌شدند که در راس قدرت بودند.

"آزادی بحث و انتقاد" برای پیشرفت امروزین ما از یک اهمیت اساسی برخوردار است. تجربه به ما آموخته است، عدم توجه به این اصل چه پیامدهای فاجوار، تباهی‌آور و فساد برانگیزی می‌تواند برای جامعه داشته باشد. "تشکیلات بدون محتوای ایدئولوژیک" به تدریج به هر ج و مرج و بی سازمانی تبدیل می‌شود و دیسیپلینی که بر پایه مضمون ایدئولوژیک فبانهت افراد را به عناصری ظاهر ساز و فرمالیست‌هایی بی تفاوت تبدیل می‌کند. و به همین‌سان به تجربه آموخته‌ایم که سازمانیابی آگاهانه و بحث فعال و دموکراتیک بر روی هدفها و راههای پیشروی،

چه امکانات وسیعی را برای تشکیلات، فراهم می‌کند.

اصل دوم، انتقاد از خود مداوم است. انتقاد از خود داری دووجه است: یک وجه آن انتقاد از خود یک شخص معین در رابطه با خطاها و اشتباهاتی است که خود وی مرتکب گردیده و وجه دیگر انتقاد از خود یک سازمان، یک نهاد اجتماعی و یا کل جامعه است. لنین مصر بود که هر دو وجه انتقاد از خود در حزب و در حکومت، اعمال شود.

اودر مورد وجه اول نوشته است: "ضروری است که حزب همواره "حکمت" این بی‌آن رهبر را، حتی اگر جزئی هم باشد، متوجه گردد. سیر عمل هیچ رهبر سیاسی بدون این بی‌آن شکست نیست و اگر ما در این سخن جدی باشیم که می‌خواهیم در میان توده‌ها نفوذ کنیم و "حسن نیت" آلمان را به دست خود جلب کنیم، باید باتمام قوا در این زمینه بکوشیم که این شکست‌ها را لاپوشانی نکنیم... و به قضاوت امکان بگذاریم. این ممکن است در وهله نخست به نظر دردآور آید، ممکن است "آزادگی" این بی‌آن رهبر سیاسی جلوه کند، اما ما باید بر این احساس خطای دردآوری غلبه کنیم: این وتلیفه ما در قبال حزب و طبقه کارگر است." به همین‌سان انتقاد از خود تشکیلات حزبی و پذیرش شجاعانه و علنی خطاها از سوی آن، امری مهم است. لنین در سال ۱۹۱۲ نامدای به پرودا نوشت و در آن نوشت نظر خطایی را که یک مقاله ابراز داشته بود، تصحیح شده و موضوع در نشریه چاپ گردد. اودر این رابطه نوشت: "خطایی که تصحیح شود، دیگر خطا نیست. اما خطایی که تصحیح نشود، یک جراحت بدخیم است. در این حالت باید از این شجاعت برخوردار بود که زخم را به جراحی کرد." لنین بعداً نیز در سال ۱۹۱۷، در تحلیل وضعیت آن هنگام، در مقاله‌ای با عنوان "از یادداشتهای روزانه یک روزنامه‌نگار" نوشت: "خطای حزب ما آشکار است. یک حزب رزمنده... نباید از اشتباهات بترسد. آنچه که از آن باید ترسید پافشاری بروی اشتباهات و بر مبنای یک احساس غلط شرم، خودداری از پذیرش و تصحیح خطاهاست." این سخن بدان معنی است که هر چه شرایط حادثتر و پیچیده‌تر باشد، یک خطا به بهای بیشتری تمام می‌شود و برای اعتراف بدان و تصحیح آن، شجاعت بیشتری ضرورت می‌یابد.

تاریخ نویسی به سبک آخوندی

یکی از قلم به دستان رژیم در روزنامه دولتی کیهان طی سلسله مقالاتی به درج تاریخچه جنبش دانشجویی ایران پرداخته است. این نوشته نیز همچون دیگر تاریخ فکاریهایی که در جمهوری اسلامی صورت میگیرد سراسر کذب و تحریف آشکار واقعیت است. نویسنده در این تاریخچه کوشیده است در تصویر سیر عمومی جنبش دانشجویی و مبارزات درخشان آن علیه رژیم شاه هرچه بیشتر مبارزات نیروهای چپ و نقش رهبری آنان را مسکوت گذارده بر حضور و نقش افراد و نیروهای مذهبی و قشری تأکید ورزد. در آن مواردی که پیشبرد این امر با صراحت امکانپذیر نبوده است، تلاش شده است که بطور غیرمستقیم اهداف "تاریخ نگار" برآورده شود، بطور

نمونه زمانی که تاریخ نگار رژیم ولایت فقیه میخواند مبارزات دانشجویی پس از کودتای ۲۸ مرداد و واقعه ۱۶ آذر سال ۲۲ را بازتاب دهد این امر را از زبان چمران، همان فردی که مردم او را جلال دتل زعتر و جلال دخلق کرد می نامیدند بازگویی کند و ناگهان دانشجویان شهید واقعه دانشگاه از دوستان چمران از آب درمی آیند. در تاریخچه مزبور مندرج در کیهان ۱۰ بهمین آمده است،

"مقاومت گسترده دانشگاه پس از کودتای ۲۸ مرداد رژیم را برآن داشت تا به نیت سرکوب نیروهای دانشجویی فاجعه ۱۶ آذر را طرحریزی کند. صبح روز ۱۶ آذر پس از تعویض کلیه سرباژان حاضر در دانشگاه ورود نظامیان جدید که اغلب از لشکر کیمانشاه بودند، دانشگاه های

پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم مورد ستم قرار گرفتند و تعداد زیادی از دانشجویان و اساتید دستگیر شدند، مابقی چریان را از قول شهید چمران قتل می کنیم، ... صدای رگبار مسلسل در گوش لطیفین می اندازد. سکوت موحش بعد از رگبار بدش را می لرزاند. ... دانشجویان بی انداز آرم و هوشیار بودند که به میچ وجه بیانه ای بدست کودتاجیان حادثه ساز شده اند. پس چرا و چگونه دانشگاه کلونه باران شد و به طور ۲ نفر از بهترین دوستان ما بزرگ نیا، قندچی و رضوی به شهادت رسیدند. ...

واقعه ۱۶ آذر از آشفتن افغانا و سببی برخوردار بود که سازمان جهانی دانشجویان (کوسک) این روز را بعنوان روز

جهانی دانشجو اعلام و همه ساله دانشجویان را به برگزاری هرچه گسترده تر گرامی داشت خاطره شهدای این روز دعوت کرد. (کیهان ۸ بهمین شهادی ۱۶ آذر، روژ دانشجو، مسطفی بسزورگ نیا و مهدی شریعت رضوی، از دانشجویان توده ای و از اعضا کمیته مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات - که در او ان کودتای سال ۲۲ بخش بزرگی از جوانان و دانشجویان مترقی را در صفوف خود متشکل ساخته بود - واحد قندچی دانشجو، هوادار دکتر مصدق بودند.

اما در تاریخ نویسی بورژوازی - و با زمختی ویژه اگر از نوع آخوندی آن باشد - وقایع و روندها بسادگی تغییر می یابد. در تاریخچه مزبور پس از اینگونه ذکر رویدادها، اعتصابات و حرکات اعتراضی دانشجویان پس از کودتا و واقعه ۱۶ آذر از "حرکت های سیاسی دانشجویان مسلمان" معرفی می گردد.

اصل سوم لنین، تلفیق انتقاد و کار عملی است. لنین در سال ۱۹۲۰ نوشت: "هر آن کسی که انتقاد می کند، باید... از طریق شرکت بلاواسطه خود در کار حزبی و شوروی، ثابت کند که چگونه می بایست خطای حزب و با این بی آن عضو حزب در عمل تصحیح شود." آنچه را که لنین در اینجا اینگونه به صورت قلعنامه ای بیان می دارد، حدود دودم پیش از آن نیز در یک نامه دوستانه به و. آ. زکوف چنین بیان داشته بود: "شما یک با به من گفتید، ایسکرائیست ها را سرزنش کنید! و من پاسخ دادم: این کار را من نباید بکنم، این کار شامت چرا که فقط آن کسی از حق انتقاد برخوردار است که عملا در عرصه کار حضور دارد و همه جزئیات آن را می شناسد." لنین در همان زمان (در نامه ای خطاب به ف. و. لنگینک) نظر خود را در مورد "شکایتنامه نویسان" چنین ابراز داشت: "فعالین محلی تلاشی به خرج نداده اند تا جزوات خوب را تهیه کنند... و همکاری نویسندگان محلی را با ایسکرا سازمان دهند. بجا بر این به چه خاطر؟ خیلی ساده است که آدم شکوه و شکایت کند به جای این که عهده دار یک کار پر زحمت باشد! امروزه قلان خواننده، بدون جنب حیا، خودش را ایسکرائیست می داند چرا که برای ایسکرا شکایتنامه نوشته است."

در اینجا منظور لنین این نیست که نباید به روزنامه ها شکایتنامه

نوشت. منظور لنین سه چیز است: نخست این که انتقاد باید سازنده باشد (صرفا مذمت نکن، راه نشان بده!)، ثانیاً باید تلاش کرد طیف وسیعتری از فعالین محلی در امور حزبی شرکت داشته باشند، و ثالثاً باید درک مارکسیستی عمیقی از انتقاد به مثابه یک فعالیت عملی برای دگرگوشازی مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجود داشت.

شکل گیری بلشویسم به مثابه یک جنبش سیاسی، تا حد زیادی مستقیماً منسول این نحوه برخورد اصولی به امر انتقاد بوده است. لنین، پس از انقلاب اکثر، نه فقط در رابطه با امور حزبی بلکه در زمینه فعالیت دولتی نیز، پیوسته بین انتقاد و فعالیت عملی را به مثابه وظیفه ای توصیف کرد که از طریق آن می توان توده های هر چه وسیعتری از وحتمتکنان را برای رهبری کردن دولت، جلب کرد.

لنین در نوامبر سال ۱۹۲۰ خطاب به کنفرانس حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در مسکو گفت: "کار سازنده واقعی - این است کار بست انتقاد که باید سازنده باشد."

و بالاخره می رسم به اصل چهارم: علنیت (گلاسنوست) و دموکراتیسم انتقاد. هر انتقاد راستین و هر دموکراسی راستین، باید از چنین خصایلی برخوردار باشد. بدون علنیت و شفافیت، نمی تواند از آفرینش گری دموکراتیک توده ها و از

مشارکت و حتمتکنان در رهبری، سخنی در میان باشد. لنین همواره شدیداً در برابر آن دسته از مسئولینی که می گویند قصور و تقصیر خود در امور را بپوشانند تا به و عم انبامورد بهره برداری دشمنان سوسیالیسم قرار نگیرند، واکنش نشان می داد. او بر آن بود که پوشاندن حقیقت و فقدان علنیت تنها به نفع آنانی است که کارکرد بد خود را از نظر ما مخفی می کنند. فقدان علنیت تنها به مدیریت بد میدان می دهد و مبنای سیاست دموکراتیک را زیر پا می نهد. از این نظر علنیت نه صرفاً یک مقوله تشکیلاتی، بلکه یک مقوله سیاسی است. وحتمتکنان باید در مورد همه مسائل و مشکلات موجود در تمام سطوح رهبری جامعه، آگاهی حاصل کنند، در مورد همه چیز به قضاوت بپردازند و از این امکان برخوردار باشند که نظر خود را ابراز دارند.

"روشنایی، روشنایی بیشتر!" چنین است فرمول فشرده و بیرمعنی لنینی علنیت.

سخن لنین امروز نیز همچون هر هنگام دیگری، حقایقیت دارد. البته در دهه های گذشته این گروه نبود که او لنین کم نقل قول شود، از زبان او شعار داده نشود و بر پرده های سیمای او رسم نگردد. اما روح لنینیسم کجا و یک جودگماتیک کجا.

نسیم قرح بخش دگرگونی، جامعه ما را به فعالیت واداشته است.

امروزه ما بر آن نیستیم برای این که کردارمان لنینی باشد، سخنان بدیبه را تکرار کنیم. ما می خواهیم مستقلاً و انتقادی، ببینیم. اکنون انتقاد یکی از اجزای اساسی ساختمان سوسیالیسم و وسیله موثری برای زدودن دکاتیسم است. در تاریخ دولت شوروی بعد از لنین، از این وسیله، آشکوه که شاید و باید، استفاده نشد. نتیجه این گردید که سیاست مبتنی بر جزئیات و اوامر شکل گرفت که به خسارهای اقتصادی، سیاسی و انسانی منجر شد.

انتقاد لنینی خلاق است، چرا که ضد جزئیات است، و نیز سازنده است، چرا که مبتنی بر زندگی است. هتکان بسیاری شعاری در زمینه انقلاب به مثابه نقد آنچه که کهنه گشته است، در زمینه نقش تاریخی پرولتاریا در امر کنار افکندن بهره کشان و ستمگران و در مورد دیالکتیک به مثابه نقد چریان، از برداریم. این فرمولهای عام تفکر و عمل انقلابی کهنه شکسته اند (و کهنه نخواهند گردید، زیرا هر آن کسی که بخواهد جایگاه خود را در تاریخ و مفهوم تاریخی مبارزه و تلاش خود را درک کند باید بدان رجوع کند.) اما یک فرد معین با علایق و آماجهای خود ویژه اش، شاید همواره نتواند در این قواعد خوراک کافی برای اندیشه اش و مباحثی مکی برای کار عملیش پیدا کند. اصول لنینی انتقاد به ما یاری می رساند تا این مباحث را اجتناب کنیم.

سخنرانی میخائیل گارباچف در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی: "پایبندی بی حدشه به مارکسیسم لنینیسم و مبارزه قاطع با میراث دکماتیک، بوروکراتیک و اراده گرایانه"

بقیه از صفحه آخر
دبیر کل حزب ضمن نطقی به برخی بهوشب ایدئولوژیک فوساوی که باید پیش او شوؤدمین کنفرانس سراسری حزب در ماه ژوئن بررسی بشوؤد، پرداخت.

گارباچف گفت: "پلنوم ما در مقطع حساسی او روند فوساوی بررسی می شود. نظر به دمکراتیزه شدن زندگی اجتماعی و اصلاحات رادیکال اقتصادی، حزب باید دورضای دقیقی برای عملکرد آتی خود داشته باشد. این است آن خط راهمایی که دفتر سیاسی در تدوین طرح دستور کار کنفرانس شوؤدم حزب در برابر خود قرار داده است. این کنفرانس باید در زمینه کار استراتژیک حزب در مورد مسائل بسیاری تصمیم اتخاذ کند."

در ادامه فلق دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است: "تحولات، آگاهی و روان مردم، علائق و موضع آنها در جامعه و در کلکتیوهای کار را دربرمی گیرد. باید افعان داشت که بسیاری او مردم نیک سیرت نیز درگذشته به بی قامونی ها و کمبودها عادت کرده، در قبال این پدیده ها بی تفاوت شده و او فعالیت اجتماعی خود کاسته بوؤدند. بسیاری، مفهوم اصلاحات آغاز شده را فوراً درک نکردند و درنیافتند که فوساوی، افق های جدید در برابر زندگی می کشاید، انسانها را اعتلا می بخشد، و در انطباق کامل با منافع مادی و معنوی آنهاست. فوساوی به حساب آنها بی می رسد کهنه مطابق با کار انجام شده خود و نه مطابق با حکم وجدان زندگی کرده و کار خود را بد انجام داده اند، تا چه رسد به نقض کنندگان آشکار قوانین و اخلاقیات جامعه شوروی.

چنین است موقعیت سیاسی وایدئولوژیکی که به نظر من ساده نیست و ما باید در آن عمل کنیم. حزب ناچار است اقلب، چه در تولید و چه در عرصه فکری، برای فوساوی مبارزه کند. بدیهی است این مبارزه شکل پیکار قهر آمیز طبقاتی را به خود نمی گیرد. اما رفقا، ما می بینیم که این مبارزه چه سخت است."

گارباچف افزود: "بحث دافی درباره مواضع راه فوساوی جریان دارد. مردم از اینکه مصوبات راهکمای پلنوم های ژانویه و ژوئن کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش به کفندی و توام با

مشکلات تحقق می یابند، نگرانند. برای شخصتین بار پس او دهها سال، شاهد شوئی پلورالیسم سوسیالیستی عقاید شده ایم. این هم، امری غیرعادی است و مورد ارزیابی واحدی نیست، بلکه مستلزم مطالعه، تحلیل و تدقیق است. اما ما باید در میان همه این پدیده ها، مهمترین نکته را ببینیم؛ افزایش حمایت مردم از سیاست فوساوی." رهبر ح.ک.ا.ش تاکید کرد: "ما شاهد آنیم که بعضی ما دچار سردرگمی شده اند که: آیا ما او مواضع سوسیالیسم منحرف نشده ایم، به خصوص وقتی اشکال فوین و غیرعادی تولید؛ زندگی اجتماعی را ابداع می کنیم؟ آیا ما خود آموزش مارکسیسم لنینیسم را مورد تجدید نظر قرار می دهیم؟ تعجبی ندارد که سرکله "مدافعان" مارکسیسم - لنینیسم و توجه کشان در "سوک" سوسیالیسم هم پیدا شده است که می گویند هم مارکسیسم - لنینیسم هم سوسیالیسم در خطرند."

در ادامه سخنان گارباچف آمده است: "امروز این ارزیابی به کرسی نشسته است که فوساوی مرحله ای به لحاظ عیثی ضروری در رشد جامعه شوروی است که هدف آن، تحقق کیفیتی فوین است. ما باید تحولاتی اساسی در نیروهای مولده و منافعات تولیدی، فوساوی انقلابی ساختارهای اجتماعی و سیاسی و رشد توان فکری و معنوی جامعه را تامین کنیم. ما می کوئیم در شرایط حاضر، نظام اجتماعی را به صورت لئینی آن احیا کنیم و آن را او اضافات و بخشه ها و از هر آنچه جامعه راقچ می کرد و مانع تحقق کامل و موثر توان بالقوه سوسیالیسم بود، پاک سازیم. مهمترین هدف ما رساندن جامعه سوسیالیستی به کیفیتی فوین، با در نظر گرفتن واقعیات جهان امروز است."

دبیر کل ح.ک.ا.ش در بخشی دیگر از سخنان خود گفت: "در طول ۷۰ سال، حزب و خلق ما از افندیشه سوسیالیسم الهام گرفته و سوسیالیسم را ساخته اند. اما به علل خارجی و داخلی موفق نشدیم به حد کافی اصول لئینی نظام فوین اجتماعی را تحقق بخشیم. کیش شخصیت، نظام مدیریت مبتنی بر دستور او بالا که در دهه ۳۰ شکل گرفت، اشهرافات بوروکراتیک،

واراده گرایانه، خودسری و فیهو، در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، فقدان ابتکار و پدیده های ترمؤ کفنده که به رکود انجامیدند، مائعی جدی بر سر این راه شدند." گارباچف افزود: "این پدیده ها و همه بقایای آنها که تا زمان ما مانده اند، باید برای همیشه او میان بروؤد. در اینجا به آشهایی نیز که ابر او تردید می کنند که مبادا او سوسیالیسم و مباحث آن - مباحثی ساخته شده توسط فسل های مردم شوروی - منحرف شویم، می کوئیم که ما یک کام هم او سوسیالیسم، او مارکسیسم - لنینیسم را او هر آنچه خلق بدست آورده و ایجاد کرده است، منحرف نمی شویم. اما ما با میراث دکماتیک، بوروکراتیک و اراده گرایانه قاطعانه مبارزه می کنیم، زیرا این میراث فربطی به مارکسیسم - لنینیسم دارد و نه به سوسیالیسم واقعی."

رهبر ح.ک.ا.ش در این رابطه به مسائل تاریخ تئوری پرداخت و بر این ضرورت تاکید کرد که "شبهه زندگی و کار و عقاید مردم به وقت شکاشته شود، فوشته شود که چکوفه بیرونی ها و شکست ها، ابداعات و اشتباهات، پدیده های مسرت آور و رقم افکنیز، شور انقلابی توده ها و نقض قانونیت سوسیالیستی حتی جنایات با هم توام شدند. این است نکرش علمی و ماتریالیستی به تاریخ، به مثابه ثمره فعالیت توده های مردم. این است برداشت دیالکتیکی از تاریخ که عاری

نگاهی به چند

بقیه از صفحه ۶
ارزش افزوده هتکتت این بخش، سکوت می کند. از سوی دیگر افزایش میزان نقدینگی بخش خصوصی خود میتواند، عاملی افشاکر در زمینه سیاست مالیاتی رژیم باشد. نقدینگی بخش خصوصی نه تنها در اثر کارگرفت سیاست مالیاتی رژیم، کاهش فیاخت، بلکه تاکنون یافته است و به رقم شوومی ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است. جدول شماره ۲، به مقایسه سال به سال میزان مالیاتها و نقدینگی بخش خصوصی می برد او د. این است سقدی گویا از کاربست ساختار جدید مالیاتی کشور. رژیم تنها درصد آن است که نیازهای مالی خود را از طریق چپاول مردم

او یکجاشبه فکری است و در آن، تاریخ هم با همه تنوع، پیچیدگی و تناقض خود و بدون تاکید بیش او حد بر جنبه های جداگانه، مورد بررسی قرار می گیرد."

سخنران تاکید کرد: "باؤکتت به تاریخ ما تنها به اتنکیزه علاقه به دانستن گذشته نیست، بلکه برای کار امروز ما، برای حل مسائل فوساوی اهمیت حیاتی دارد."

در ادامه فلق گارباچف آمده است: "او لحاظ فکری، فوساوی تلاشی تعیین کنندنده برای باؤساوی اهمیت عظیم ارزشهای سوسیالیسم در چشم همگان است. مهمترین این ارزشها، سمت گیری در جهت منافع و حکمتکشان است. باید فونکار بوروکراسی را او ارزشها و آرمانهای سوسیالیسم و دود. این ارزشها باید او همه عناصر غیر انسانی که می رفت تا جای آنها را بگیرد، پاکسازی شوؤد. باید بهترین و خلاقانه ترین نیروهای انسانها را او د و رشد معنوی آنها را تضمین کرد. ما بر اثر این واقعیت که نتوانسته ایم خلافتت و استقلال انسانها را به طور کامل گسترش بخشیم، لطمه بسیار خورده ایم و می خوریم. رشد خلافتت و استقلال انسانها بؤرگترین، پیچیده ترین و مهمترین وظیفه فوساوی است. سوسیالیسم، جامعه ای او انسانهای دارای ابتکار است. اما خود سوسیالیسم نیز، بؤرگترین ابتکار تاریخ است."

تأمین کند. مواد لایحه مالیاتها، مستقیم، علیرغم نمای ظاهر، آن، محصول ورشکستگی اقتصادی حکومت، و عامل غارت مستقیم و غیر مستقیم توده ها است. مواد این لایحه حتی اگر در مورد برخی او صاحبان سرمایه نیز اعمال گردد، بهیچوجه عمومیت نخواهد یافت و صاحبان سرمایه در بافت اقتصادی حاکم، زبان وارده را به زبان توده ها جبران خواهند کرد. فشار مالی سیاستهای دولت بر دوش توده ها، هنوز رضایت برخی از مسئولین حکومتی را جاب کرده است. اسدالله بادامچیان معبر کمیسیون امور اقتصاد و دارائی در مصاحبه با رسالت ۵ بهمن، اعلام کرده است که دولت علاوه بر مالیاتهای جاری و معمول باید "فکری کند که خمس و سهم امام و زکات و... هم وصول شوؤد."!

"روزخشم" در فلسطین اشغالی



مزدوران صهیونیست در اردن غربی، انکشت بر روی ماشه

در روز سه شنبه هفته گذشته تظاهرات وسیعی در تمام مناطق اشغالی در گرفت. اعلامیه‌ای با امضای "کمیته سازمان‌یافته قیام ملی" این روز را "روزخشم" اعلام کرده بود. "روزخشم"، روز ابراهیم تغیر نسبت به زنده به گور کردن چهار فلسطینی از سوی سربازان اسرائیلی در اردن غربی بود. در روزهای بعد نیز تظاهرات ادامه یافت. در روز پنجشنبه، ۲۱ فلسطینی در رام الله و نابلس به توسط مزدوران صهیونیست، دستگیر شدند. در این روز رام الله و روستاهای مجاور آن به عنوان منطقه نظامی اعلام شد.

کارشکنی پاکستان در مذاکرات ژنو

عبدالصمد ظفر، سفیر افغانستان در دعای خود روز جمعه هفته گذشته (۱۹ فوریه) در ملی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که دولت مطبوع وی مطلقاً شرایط پاکستان برای امضای قرارداد صلح در ژنو را نخواهد پذیرفت. رژیم ژنرال ضیا الحق امضای قرارداد صلح را منوط به تشکیل یک حکومت ائتلافی در کابل با شرکت باندهای ضد انقلابی، اعلام کرده است. عبدالصمد ظفر، این شرط گذاری را "خنده وار" کردن بر استقلال افغانستان" توصیف کرد.

خبرهای کوتاه

* در روز دوشنبه ۹ فوریه هزاران بیکار در پارلمان انگلستان در لندن دست به تظاهرات زدند.

* دولت پرو حالت فوق العاده‌ای را که از دو سال پیش در لیما و بندر مجاور آن کالائو برقرار است، به مدت دوماه دیگر تمدید کرده است. هدف از تمدید حالت فوق العاده تداوم بخشیدن به جو حکومت نظامی و سرکوب شدن آشکار در کشور است.

* در هفته گذشته در تیرانا، مذاکره بین یوگسلاوی و آلبانی برای بستن یک قرارداد فرهنگی آغاز شد.

انگلستان و سلاحهای اتمی آمریکایی بیشتر

انگلستان استقرار دارند. مارکارت تاجر هدف از افزودن بر تعداد این نوع بمب افکن‌ها را پر کردن خنلا' موشکهای کروژ و پرشینک - که طبق قرارداد واشینگتن برچیده خواهد شد - اعلام کرده است. بعد از قرارداد واشینگتن، که به امضای میخائیل گارباچف و ریگان رسید، ناتو فوراً در صد در آمد که به جای موشکهای اتمی برد متوسط مستقر در اروپای غربی، سلاحهای اتمی دیگر مستقر کند.

هفته نامه "ساندی تایمز" چاپ لندن، در شماره هفته گذشته خود نوشت که مارکارت تاجر شخت وزیر انگلستان، خواهان استقرار تعداد بیشتری سلاحهای اتمی آمریکایی در خاک این کشور است. مارکارت تاجر بر آن است تا بمب افکنهای آمریکایی نوع اف-۱۱۱ مستقر در انگلستان را ۶۰ فروند، افزایش دهد. در حال حاضر ۱۵۰ فروند از این نوع بمب افکن که قادر به حمل بمبهای اتمی است، در خاک

موجی از اعتصاب در پرتغال

کشتی رانی در اعتصابات هفته گذشته شرکت داشتند. روز چهارشنبه با اعتصاب ۱۰۰۰ نفر از کارکنان راه آهن حرکت اعتصابی زمینکشان ابعاد تازه‌ای یافت. خواسته همه شرکت کنندگان در اعتصابات هفته گذشته انعقاد قراردادهای جمعی تازه و افزایش دستمزدهاست.

سیاست دولت محافظه کار سیلوا مینی بر کاهش دستمزدها، پاسخ دندان شکنی از زمینکشان پرتغالی گرفت. هفته گذشته، هفته اعتصابات گسترده در پرتغال بود. کارگران کارخانه‌های آهن و فولاد، کارکنان مترو، کارکنان پست، کارکنان خبرگزاری دولتی، کارکنان راه آهن، کارکنان برق و کارکنان

موقفینهای نظامی تازه اف.ام.ال.ان

بر کوپن‌ها دوارته مقدم گردید. ارتش دوارته عملیات تازه‌ای با عنوان "فغفوس ۱۴" علیه چریکهای اف.ام.ال.ان آغاز کرده است. نتایج تازه با مقاومت قهرمانانه رژیم‌ها مواجه شده و موفقیتی برای رژیم به بار نیاورده است. اولین حمله وسیع رژیم به یکی از مقالق تمرکز چریکها در آغاز فوریه منجر به کشته شدن ۵۰ مزدور گردید.

رادبو "وشرموس"، رادیوی جبهه آزادی بخش فارابو و دمارتی (اف.ام.ال.ان) خبر داد که در روز سه شنبه هفته گذشته (۱۵ فوریه) رژیم آوران این جبهه یک کشتی جنگی رژیم دوارته را منهدم ساختند و در جریان حمله ۶ مزدور را از پا در آوردند. دو هفته پیش در جریان یک حمله دیگر ۱۳۰ مزدور به هلاکت رسیده بودند. در جریان یکی از حملات دو هفته پیش یک ایستگاه مخابراتی نیروهای

آفریقای جنوبی؛ ۹۰۰۰ مورد دستگیری در یک سال

ژنرال پرستان نیز به شکنجه و کشتار مشغولند. در آغاز ماه فوریه یک دانشجوی ۱۸ ساله سیامپوست به نام سیسلو دلمو اوسوی "جوخه‌های مرگ" ترور شد. او در سال ۱۹۸۶ در زندان بود و از ابرو ترور شد که در زمینه شکنجه و کشتار در زندانهای آفریقای جنوبی گزارش را در اختیار روزنامه نگاران قرار داده بود.

عکس زیر صحنه‌ای از مراسم به خاک سپاری سیسلو دلمو را نشان می‌دهد.

در هفته گذشته "کمیته دفاع از خانواده‌های زندانیان سیاسی" در آفریقای جنوبی گزارش مفصلی در زمینه نقض حقوق بشر از سوی رژیم نژاد پرست پرتوریا، انتشار داد. در این گزارش آمده است که در سال گذشته ۹۰۰۰ نفر، بدون این که به دادگاهی فرستاده شوند، به زندان افکنده شده‌اند، ۶ نفر در جریان بازجویی زیر شکنجه کشته شده و ۵ نفر به دلیل سیاسی اعدام شده‌اند. در کنار بایس وارتش، "جوخه‌های مرگ"



بمناسبت سالگرد کشتار وحشیانه رهبران خلق ترکمن

آی تو ما ج، خونت شراره...

شوروی اصفهانی بچه خیلی خوبی بود که به دست همین گروهکها در خیابانهای تهران به درجه شهادت رسید - آقای بفقشه رئیس سپاه پاسداران ایلام اگر شهید شده باشد - وجه بگویم برای شما آقای هاشمی - حاج احمد آقا شخص حضرت امام - خود آقای مغنظری همه مسئولین - آقای دکتر بهشتی و آقای قدوسی. کیست که نداند این جریانات را؟ همه می دانستند. آقای رفیق دوست هم می داند. ۹۴ نفر منجمله تو ما ج - واحدی - مختوم - چرجانی، ایضا زابنده اعدام کردم، ۹۴ نفر را اعدام کردم بیکی نفر... من با قاطعیت اسلامی در کنگهد وارد جریان شدم و خلق ترکمن را در آنجا کوبیدم... من ایضا را اولین بار فیسیت که گفته باشم، ولی در جریان اولین بار است منتشر می شود... می گویند قتل قتل عمدی بوده. بلکه که عمدی بوده. بقیه در صفحه ۷

"۶ نفر را محکوم به اعدام کردیم آنوقت اوضاع آرام شد... من ۹ نفر را محکوم به اعدام کردم. آنها را اعدام کردیم و آب از آب تکان نخورد... در سردشت و پاشه و تمام کردستان ما حاکم داشتیم... ما مثل اجل معلق سر می رسیدیم... هر کسی را بگیریم در دستش اسلحه بوده باشد، حکنش اعدام است... من با قاطعیت در کنگهد وارد شدم و یکی از کارهای برجسته و انقلابی ام در کنگهد بود... ما دستور دادیم هر کسی را که مسلح باشد بیاورند که آوردند یکی، دو تا، سه تا، بیفت تا، هر کسی را که مسلح آوردند ما اعدام کردیم. این جریان را که می گویم شامدژنده داریم، آقای مصحف استاندار آن زمان ماژندران - آقای دادستان آن زمان ماژندران، دادستان کل و آقای درویش رئیس سپاه پاسداران کنگهد - آقای دراز کیسو که چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان شرقی بود - آقای

سخنرانی میخائیل گارباچف در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در هفته گذشته پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) که بررسی اصلاحات نظام آموزشی این کشور در دستور کار آن قرار داشت، تشکیل شد. یکور لیکچرف، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در آغاز این پلنوم طی سخنانی اظهار داشت هدف از اصلاحات در نظام آموزشی، حداکثر بهره گیری از توان و برتری های سوسیالیسم و رساندن مدارس شوروی به عالی ترین سطح است. پلنوم، مصوبه ای در مورد انجام اصلاحات در مدارس متوسطه و عالی گذراند. در پلنوم، بیوری ماسلیورکف و کلورکی راسومفسکی به عنوان اعضای علی البدل دفتر سیاسی برگزیده شدند. او انجام وظیفه به عنوان عضو علی البدل دفتر سیاسی معاف شد. در پلنوم، میخائیل گارباچف بقیه در صفحه ۱

تمهیدات اقتصادی تازه در نیکاراگوئه

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه در روز یکشنبه ۸ فوریه تمهیدات تازه ای را برای بهبود وضع اقتصادی کشور اعلام کرد. هدف از تمهیدات تازه، مقابله با بی آمدن های اقتصادی، تهاجمات نیروهای ضد انقلابی و بهبود زندگی زحمتکشان است. حملات نیروهای ضد انقلابی و بهبود زندگی زحمتکشان است. حملات نیروهای ضد انقلابی از سال ۱۹۸۱ تا کنون منجر به ۲/۸ میلیارد دلار خسارت اقتصادی در نیکاراگوئه شده است.

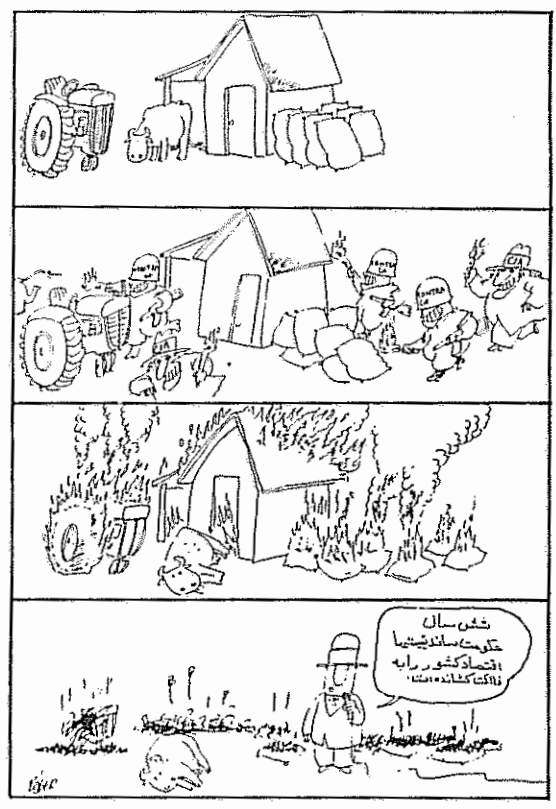
درصد تمهیدات اقتصادی تازه، عوض کردن پول در گردش است که در هفته گذشته به اجرا درآمد. نرخ برابری واحد پول تازه در برابر دلار، نسبت به واحد پیشین کاهش یافته است. اکنون هر "کوردوبا" برابر است با یک دهم دلار. تعیین حداقل و حداکثر دستمزد، بالا بردن دستمزد کارگران و زحمتکشان فقیر، و قیمت گذاری تازه بر روی مواد مصرفی و خدمات، از دیگر تمهیدات اقتصادی تازه دولت نیکاراگوئه است.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط اروپا	۱۱ مارک	۱۳ مارک	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
دیگر نقاط اروپا	۲۱	۲۴	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله

دیگر نقاط اروپا	۴۷ مارک	۳۰ مارک	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
دیگر نقاط اروپا	۱۰۲	۵۸	نشریه «اکثريت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه
دیگر نقاط اروپا	۱۰۲	۱۱۵	نشریه «اکثريت»	<input type="checkbox"/> يك ساله

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)



طرح از روزنامه مورنیگ استار

AKSARIYAT
NO.196
MONDAY, 22 FEB, 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR.GERTHAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید